

ره چنان رو که ره روان رفتند

پیشرفتهای چشمگیر کشور در کار عمران و آبادانی و تکاپوی سازنده و خلاق در رشته فنون و صنایع شایان سپاس و حقیقتشناسی است این جنبش از يك راهنمای فیاض مدد دارد و ادارات و اهواء و ذوق و سلیقه گوناگون یا اغراض ناسازگار و رنگارنگ در آن اثر نمیکنند از سوی دیگر در مسائل مادی و مدنی امر و زما هر رشته‌ای دانشی دارد هم‌دوش با آزمون و تجربه و در مقام ادعا دلیل صحت مدعا عمل است و بس از این نظر کارها بکاردان سپرده میشود .

نگفته ندارد کسی با تو کار ولیکن چو گفتی دلیلش بیار

هر تیره و گروهی در خوردانائی و کار خود بهره‌برداری میکنند و هر صنفی شاهراه خود را میداند و کوشش دارد تا شاهکاری بوجود آورد مرز بوم هر گروهی روشن است و برنامه عمل او روشن و بدون اصول و قواعد و قوانین علمی بدون گفتگوی و چون و چرا مجری است و محیط بسیاری از علوم صناعی و طبیعی فارغ از بحث و مشاجره و مناظره و خودنمایی میباشد زیرا اگر کسی عاصی شد و خواست خرق عادت کند و انکار احکام قطعی و مسلم را پیشه خود سازد و دوپای را در يك لنگه کفش بگذارد و بگوید نظر من در قواعد ریاضی و فیزیک چنین است معادلات و فورمولها را عوض کنید بدون تأمل او را به تیمارستان میبرند ...

اما در رشته‌های زبان، خط، ادب، اخلاق شکستن قواعد اصولی، تجربی و علمی روشنفکری و هنر نمائی است و احیاناً بعضی عنوان رسالت و آفریننده راهم نصیب ویرانگران میسازند. افراد ناتوان و وامانده و رانده از همه جا برای ناهنجوئی سرزمینی

مناسبتی از ادبیات نیافته‌اند و طبع زمان هم از جهاتی با این گروه سازگار است .
در هر حال بسط این مقوله ضرورت ندارد زیرا آن‌حاکم عیان است چه حاجت
به بیان است .

موضوع قابل بحث و مورد توجه این است که زبان و خط و ادب و اخلاق و فرهنگ
اصیل ایران میراث همگانی است بلکه کافه دستداران هنرهای زیبا و محققان و متبعان
زبان و ادب و عرفان درباره این فرهنگ از نظر ملکات فاضله و راسخ انسانی و خصایص
اصلیه نوع بشر خود را سهیم و شریک میدانند .
ادب پارسی در تملک انحصاری معدوی مطرود نیست که بجای هوش و تفکر و کسب دانش
معالم و مکارم مارا بادیده تقلید آنهم از طبقات نازل ملل باختری داوری کنند و از عهد
بیان مقصود و منظور هم ناتوان باشند و عنوان غلبه قوم نازی را در مدت کوتاهی دلیل
درستی کار خود قرار دهند .

در تاریخ نظامی هر کشوری جنگ و پیروزی جنگ و شکست و عقب نشینی وجود
دارد . هر ملتی در تاریخ عمومی خود - تاریخ سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - ادبی رنگی
از اقوام بیگانه پذیرفته است و در کدام زبان میتوان وجود لغات خارجی را انکار نمود؟
یا کدام جامعه و ملتی است که در جهان امروز با ارزشترین دقایق روزگار را صرف مباحث
بیهوده‌ای در اطراف زبان و خط و ادب نماید؛ و اگر هم چنین بحثی ضرورت داشته باشد
مانند همه امور علمی و فنی در صلاحیت زبان‌شناسان و تاریخ‌دانان محقق و کامل است نه سخنی
است که در رهگذرها و کوچ و بازارها مطرح و حل و عقد شود .

تاریخ (زبان و خط و ادبیات) سرگذشت ملتی را که در دوران ابتدائی و نشوء و
تکامل را گذرانیده‌اند شرح میدهد .

تاریخ ادبیات هر ملتی تاریخ عقول ابناء آن و تأثیر تاریخ مذکور در نفوس و
اخلاق ایشان است و نمیتوان گذشته‌ها را نادیده گرفت و پشت سر گذارد .

تاریخ ادب ایران از زمان باستان آنچه از یغماگری یونانیان در زوایای کشور باقیماند و آنچه در دوره ساسانیان بآن افزوده با کوشش بزرگانی که ابن مقفع سرسلسله آنها بود بزبان عربی و سپس به پارسی دری نقل شد و بیش و کم میتوان گفت با مکاشفات تاریخی و تحقیقات دو قرن اخیر ما دوهزار و پانصد سال جامعه ادبی داریم .

در پنجاه سال پیش که این غوغا در شمار مباحث روز شد و گروهی میخواستند واژه سازی راه بیاندازند . نویسندگان دانشمند مجله (دانشکده) در این مقوله چنین گفتند «ما مفلس و بیچاره نیستیم که طبیعت ما را مجبور باخترع و رفع احتیاج نماید بلکه ما در روی یك تكامل و ارتقا باز بطرف تکمیل و ترقی راه میرویم اگر راه نرویم ترقی از روی ما رد شده بفرزندان ما میرسد اگر با او راه برویم خود ما هم از او استفاده کرده و اگر جلو تر برویم شاید راه را کم کنیم ..»

تجدید مطلع در این باره جز تغییر مسیر ارتقاء که در سر راه ماست اثری ندارد. وقت و زمان ساعات و دقائق و ثانیهها در روزگار ما بسی ارزنده و مولد نتایج عالیهای در کلیه علوم و فنون است آنانکه نمیخواهند از نظم موجود بهره برداری کنند و کتاب تمدن و ادب موجود ما را نادیده یا بی اعتبار انگاشته نوسازی را از نخستین پایه ابتدائی بنیاد می نهند ارزش زمان و سیر برق آسای آنرا مهم نمیشمارند و با روشهای غیر طبیعی و ساختگی تصرفات نامعقول در لغت و خط و زبان مینمایند آن گروه شاید ندانند یا لازم نمیدانند که بدانند با این نامجوئیها و خودنمائیها و آمیختن ادبیات و فرهنگ هفتصدساله بنام (نوآوری) دور از یکدوره طبیعی و تکمیلی و راقی اساس و ستون و عماد علم و معارف را درهم میریزند و آنگاه دانشجویان را از روی اطلال و رسوم این ویراندها عبور میدهند و این اعمال سبب میشود که نسل نو بلبل دشواریها و اختلاف نظرها و انواع سبکها در قید و بند سلیقههای گوناگون و اجتهادات عالم نمایان ناموزون و ناسازگار گرفتار باشند و برخلاف انتظار این موجها

در روش تعالیم درسی و کلاسیک هم اثر گذاشته و زبان و ادب پارسی را نارسا و ثقیل و از زبان چینی که حروف نامعدود و اصول نامحدود دارد مشکلتر ساخته است و بنا بر این جوانان ما که طالب علم و کسب دانش و بینش اند احساس میکنند که باین زبان (آش شله قلمکار) رفع نیاز علمی و مدنی بسیار مشکل است و بهمین جهت برای رهائی خویش از این دشواریها و شاید بدنامی که زبان ملی و مادری را نمیدانند بوسائل ممکنه کوشش می نمایند که در دانشگاههای خارج با آموختن یک زبان خارجی (که فرهنگ و دستور و قواعد مدرن دارد و رفع هر اشکال و ابهامی هم بوسیله مراجعه به آنکسیلوپدی سهل و ساده است) گریبان خود را آزاد نمایند و برجای آنانکه رشته ادبیات و زبان پارسی برگزیده و خواسته اند پاسدار موجودیت و تمدن و زبان ملی شد انگشت فسوس زیر دندان میگذرانند.

نادانی در ادب و زبان پارسی در نزد گروهی (غرب زده) علاوه بر آنکه ننگ و سرافکنندگی ندارد عامل سروری و افتخار هم می باشد!

از این مرحله که بگذریم برخی نوآوران کذب با تعاریف (من درآوردی) درباره شعر و ادب آنقدر مطایبه و مصاحبه دارند و آب داخل شیر میکنند که مایع اصلی لبن از آن زایل میشود.

نا تمام

پند

پنجه با شیر و مُشت به شمشیر زدن کار خردمندان نیست.

(سعدی)